



لزوم درک افکار و رفتار نوجوان از طرف والدین / تضاد فکری نوجوان با والدین امری طبیعی است

نوجوان از لحاظ روحی دچار بیشترین تغییرات عاطفی شده و از نظر جسمی به تکامل می رسد، به همین دلیل اگر در این سنین کسی را برای گفتگو در مورد مسائل خود نداشته باشد ممکن است دچار مشکلاتی شود.

نوجوان از لحاظ روحی دچار بیشترین تغییرات عاطفی شده و از نظر جسمی به تکامل می رسد، به همین دلیل اگر در این سنین کسی را برای گفتگو در مورد مسائل خود نداشته باشد ممکن است دچار مشکلاتی شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، پدر و مادر در سنینی که فرزندشان به نوجوانی می رسد با مسائل و مشکلاتی روبه رو می شوند که پیش از آن وجود نداشته است، بنابراین باید بدانند که چگونه رفتار کنند که آرامش و امنیت هر چه بیشتر برای طرفین بدست آید. فرزند موقعی که وارد سن نوجوانی می شود مرموز شده و به شکلی متفاوت رفتار می کند و بیشتر تمایل دارد با دوستانش باشد تا با خانواده. مدام بحث می کند و پرخاشگر شده، امکان ندارد کاری را که از او می خواهیم بلافاصله انجام دهد و او دیگر همان کودکی نیست که با لبخند هر چه می خواستیم انجام می داد.

از طرف دیگر والدین نیز نگران هستند که نکنند او مشغول کاری شده باشد که عاقبت خوبی ندارد، پس فشار خود را بر او افزایش می دهند، او نیز که خواهان استقلال بیشتری است واکنش نشان داده و قصد ندارد در محدودیتی که ایجاد کرده اند زندانی شود. به این ترتیب کار به بحث و مشاجره و گاهی هم به دعوا می کشد. مساله این جاست که در این میان کسی مقصر نیست.

پدران و مادران اکثراً در دهه ی چهارم یا پنجم زندگی به خوبی قادر به تجزیه و تحلیل انواع مسائل و دیدگاهها هستند. در این زمان نوجوان شروع به بررسی رفتارها و دیدگاه های پدر و مادرش کرده و با درک تغییرات میان تفکر خود و پدر و مادرش درگیری ها آغاز می شود. نوجوان نیز از سوی محیط پیرامونش نسبت به پیش از آن تحت فشار بیشتری قرار می گیرد و نیاز به حمایت پدر و مادر از او در این دوران بیشتر از هر وقت دیگر احساس می شود.

برخورد پدران و مادران

پدران و مادران هنگامی که با بحران نوجوان روبرو می شوند در بسیاری از موارد سعی می کنند کنترل امور را به دست بگیرند. در این راه ممکن است سرسخت و جدی شده و با نوجوان درگیر شوند تا ثابت کنند قدرت در دست آنان است و برخی دیگر نیز سعی می کنند اصلاً به کارهای نوجوان کاری نداشته باشند و از هرگونه برخورد و درگیری پرهیز می کنند تا نوجوان خودش راهی را پیدا کند. جالب اینکه هر دو روش بی نتیجه است نوجوانی که دارای پدر و مادر قدرت طلب است بیشتر به طغیان و سرکشی می پردازد تا ثابت کند که مستقل و دارای قدرت تصمیم گیری است. ممکن است حتی برخی از مسائل را مخفی کند و از پدر و مادر فاصله بگیرد.

نوجوانی هم که پدر و مادر بسیار انعطاف پذیر دارد، ممکن است احساس کند بی ارزش است و نادیده گرفته شده است و پدر و مادر اهمیتی به مسائل و بعضاً مشکلات او نمی دهند. در هر دو حال نوجوان حمایت کافی را از آنها نمی گیرد. پدران و مادران بسیار محافظه کارانه عمل می کنند و حال آنکه نوجوان بی پروا قصد دارد حرکتی سریع به سوی اهدافش داشته باشد و دسترسی به آرزوهای خود را ممکن و شدنی می بیند.

پس اگر دو طرف وضعیت و شرایط را به خوبی درک نکنند، نخواهند توانست ارتباط خوبی با یکدیگر برقرار نمایند. این شرایط برای نوجوان نیز سخت است. باید توجه داشت که مرحله عبور از کودکی به بزرگسالی برای خود نوجوان نیز سخت است. چرا که بسیاری از این تغییرات در همین سنین رخ می دهد و نوجوان نیز در مواقعی دچار حالت گیجی تردید، نگرانی و عدم اعتماد به نفس می شود.

نوجوان از لحاظ روحی نیز دچار بیشترین تغییرات در حالت عاطفی شده و خشم شدید و عشق فراوان را تجربه می کند. از نظر جسمی نوجوان به تکامل رسیده و نیروی جنسی شدیدی دارد. به همین دلیل است که اگر در این سنین کسی را برای صحبت و گفتگو در مورد مسائل خود نداشته باشد ممکن است دچار مشکلاتی شود.

به جاي اين كه به دوران نوجواني فرزندمان به عنوان دوران مشكل ساز بنگريم، سعي كنيم آن را يك فرصت با ارزش به شمار آوريم. ما در اين زمان وقت داريم تا رابطه اي متفاوت از دوران كودكي فرزندمان با وي برقرار نماييم. سرکشي او را يك حمله به قدرت خود نپنداريم بلکه يك مرحله مهم در استقلال او بدانيم. چنانچه کنجکاو هستيم که از کارهاي او آگاهي داشته باشيم مي توانيم اين را با وي در ميان بگذاريم و از طرف ديگر به او کمک کنیم که در مورد ارزش ها و باورهاي گوناگون فکر کند. در کنار او باشيم و خود را کنار نکشيم.

بسياري از پدران و مادران گفتگوهاي موثري در مورد مسائل گوناگون با نوجوانشان دارند که يکي از آنها مشورت است. مي توانيم به او نزديکتر شده و صميميت خود را افزايش دهيم. البته زماني را براي تنها بودن يا گذراندن با خود را نيز به او بدهيم و در هنگام لزوم در کنارش باشيم. فرزندان ما به جايي مي رسند که افراي مستقل با روحيه و افکار خاص خود مي شوند.

بنابر اين تضاد آنها با پدر و مادر امري عادي و طبيعي است اما مي شود با ساده گرفتن و آگاهي از اين مرحله آن را خوش آيند کرد. در نتيجه بهترين کار در لحظات بحراني با نوجوان چند لحظه مکث و کشيدن چند نفس عميق است و با اين کار به خود فرصت آرامش و واکنش صحيح مي دهيم. بهتر است در لحظات بحراني با نوجوان بحث نکنيم و فکر کنیم که بهترين و مناسب ترين واکنش ما چه مي تواند باشد، البته با آرامش.